



همین شخص سفیر مصر در ایران خواهد بود. یعنی الان مصر در ایران سفیر دارد و سفارتخانه های ما در تهران و قاهره نیز با وجود این که تابلوی دفتر حافظ منافع را بالای خود دارند اما با ظرفیت کامل ۲ سفارتخانه کار می کنند و وزیران خارجه گاهی در هفته ۳ یا ۴ بار تماس تلفنی با هم دارند. اما آیا روی مصر فشاری نیست؟ حتما هست اگر مسائل را واقع بینانه ببینید آن چه بین ۲ کشور در ۲ سال گذشته روی داده چشم گیر است اما این که متناسب با ظرفیت های ۲ کشور و رهبران آن ها باشد خیر این گونه نیست.

در همین سفر به مصر حاشیه هایی هم شنیده شد، از جمله بحث هایی که در الازهر روی داد یا تعرض به رئیس جمهور و به نظر می رسد بر خلاف سخنان شما هنوز در داخل مصر گروه ها و افرادی هستند که چندان از ایران استقبال نمی کنند. در این موارد هم اگر توضیحی دارید بفرمایید.

نشست رئیس جمهور با هیئت امنای دانشگاه الازهر قاهره قطعاً یکی از نشست های به یادماندنی و یکی از ملاقات های سنجیده ای بود که انجام شد و طرفین در یک فضای باز حرف های خود را زدند و آقای رئیس جمهور هم این آمادگی را داشتند که بشنوند و در واقع با این نگاه نرفته بودند که حرف های کلیشه ای بزنند و بشنوند و بیرون بیایند. در عین حال ابهاماتی طرف مقابل داشت که هر دو طرف در مورد آن ها حرف زدند و در یک فضای منطقی به توافقاتی هم رسیدند که از جمله آن ها ادامه گفت و گوی علمای ۲ کشور بود. اما در مورد این که شیئی پرتاب شد یا نشد باید توجه کرد که ما از مصری سخن می گوئیم که مرسی وقتی ۲ ماه قبل می خواست برای قانون اساسی همه پرسی بگذارد جدای از این که عده زیادی شرکت نکردند، آنها هم که آمدند همگی به قانون اساسی رای مثبت ندادند و قابل مقایسه با رای مثبت مردم ایران به همه پرسی جمهوری اسلامی در ابتدای انقلاب نیست. خود مرسی در انتخاباتی به پیروزی رسید که بیش از ۴۰ درصد مخالف داشت ضمن این که نباید فراموش کرد برخی کشورهای خارجی هم در منطقه یا فرامنه هستند که علاقه ای به نزدیک شدن ایران و مصر ندارند و آن را خطری برای نقشه هایشان در خاورمیانه و جهان اسلام می دانند.

این را هم اضافه کنم که بالاخره روسای کشورها که برای بازدید به سایر کشورها می روند به اماکنی ورود و خروج دارند و آقای احمدی نژاد هم می خواست مرقد راس الحسین (ع) و حرم حضرت زینب (س) را زیارت کند و در شرایط مصر حتی به خود آقای مرسی هم ممکن است در چنین مراکز شلوغی تعرض شود. قطعاً کسانی این اقدامات را انجام دادند که می خواستند این سفر مکرر شود و ما متوجه این هستیم که هر قدمی که برای بهبود روابط با مصر برمی داریم طرف های متعددی به صورت برنامه ریزی شده می خواهند کار را خراب کنند و این هم چاره ای ندارد. شبیه چنین سنگ اندازی هایی را در سفر آقای صالحی به مصر هم شاهد بودیم

تقریباً ۲ هفته قبل از سفر رئیس جمهور به مصر قرار شد وزیر خارجه سفری دو جانبه به مصر داشته باشد اما به محض اعلام این مطلب از طرف ما یک جمعیت تجزیه طلب موسوم به جبهه الاحواز یون هم اعلام کرد می خواهد سمیناری در قاهره برگزار کند. آن ها هدفشان این بود که ما اعلام کنیم در اعتراض به این نشست به مصر سفر نمی کنیم اما ما هوشمندانه از دولت مصر خواستیم تا این مسئله را جمع کند در نتیجه به هتلی که محل همایش بود اجازه برگزاری ندادند و برخی افراد دعوت شده را برگرداندند و در نهایت در یک خانه و با تعداد کمی این نشست انجام شد اما بر تبلیغی که به آن دادند بزرگ بود. واقعا هدفشان زیر سوال بردن سفر صالحی و جلوگیری از این سفر بود همان گونه که در سفر رئیس جمهور هم از هر ابزاری استفاده کردند تا سفر تحت الشعاع قرار گیرد اما ابعاد سفر دو جانبه رئیس جمهور به مصر قوی تر از سفر برای IOC شد و حتی اجلاس را تحت تاثیر خود قرار داد.

باتشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

ببینیم، شما وقتی از روابط صحبت می کنید باید چند شاخص را در نظر بگیرید. عالی ترین شاخص سفر روسای آن کشورها به کشور مقابل است و من به عنوان کسی که خودم در اجلاس عدم تعهد دست اندر کار سفر مرسی به تهران بودم می دانم که مرسی جزو اولین کشورهایی که سفر خارجی انجام داد ایران بود یعنی بعد از عربستان و چین به ایران سفر کرد. اگر مرسی انگیزه ای برای سفر به کشورمان نداشت و توسعه ای در روابط دیپلماتیک احساس نمی کرد، ده ها توجیه داشت تا به تهران سفر نکند و با عذرخواهی، وزیر خارجه اش را بفرستد اما آمد و این یک شاخص عمده در روابط دو کشور است ضمن این که مرسی به گونه ای به تهران آمد تا در جلسه افتتاحیه عدم تعهد و سخنرانی مقام معظم رهبری حاضر باشد و این احترام و حضور به موقع و واگذاری ریاست به ایران هم نشان دهنده تحول در روابط است.

نکته دیگر سفر رئیس جمهور ایران به مصر بود و مرسی در میان معدود روسایی که در فرودگاه به استقبالشان آمد برای احمدی نژاد هم همین کار را کرد و اولین دور گفت و گوهایی روسای جمهور ایران و مصر هم در همان فرودگاه برگزار شد. پس با این شاخص می توان گفت تحول در روابط ایجاد شده است. البته شاید شما نیمه خالی لیوان که ارتقا نیافتن روابط به سفیری هست مد نظر تان باشد اما باید بگوئیم که روابط ما به لحاظ جوهری به سفیری ارتقا پیدا کرده و تنها مرحله شکلی آن باقی مانده است. یعنی مرسی تنها چند هفته پس از رسیدن به ریاست جمهوری فرد جدیدی برای دفتر حافظ منافع مصر در تهران معرفی کرد که در جه سفیری داشت و گفته شد که هرگاه روابط دو کشور به سفیری رسید

شخصاً معتقدم دوستان ما در حماس در قبال تحولات در سوریه دچار خطای تحلیل شدند اما به مرور با آشکار شدن بیشتر واقعیات و با نگاه به بازی خطرناک و کثیف طرف های مقابل در سوریه در هر گام واقع بینانه تر مسائل این کشور را دنبال کردند

بسیاری از کارشناسان مصر را بزرگ ترین کشور الهام بخش عربی می دانند و در داخل ایران هم این انتظار بود تا پس از انقلاب در مصر تحول بزرگی در روابط ایران و مصر صورت گیرد. اما به نظر می رسد پس از ۲ سال مصر مرسی آن چنان تمایلی به تغییر اصولی در روابط نداشته و شاید شاهدش همین ایجاد نشدن رابطه سطح بالا با کشورمان و پاسخ دادن مرسی در افتتاحیه اجلاس عدم تعهد در تهران باشد. ارزیابی شما در این باره چیست و چه افقی را برای روابط ایران و مصر پیش بینی می کنید؟

اولاً من روابط موجود میان تهران و قاهره را روابطی بسیار خوب و در زمینه های مختلف رو به پیشرفت می دانم. دوم این که ما باید واقع بینانه هم نیمه پر لیوان و هم نیمه خالی آن را با هم